

کیلان فردا - شماره ۱۴ - مرداد ۱۴۰۴

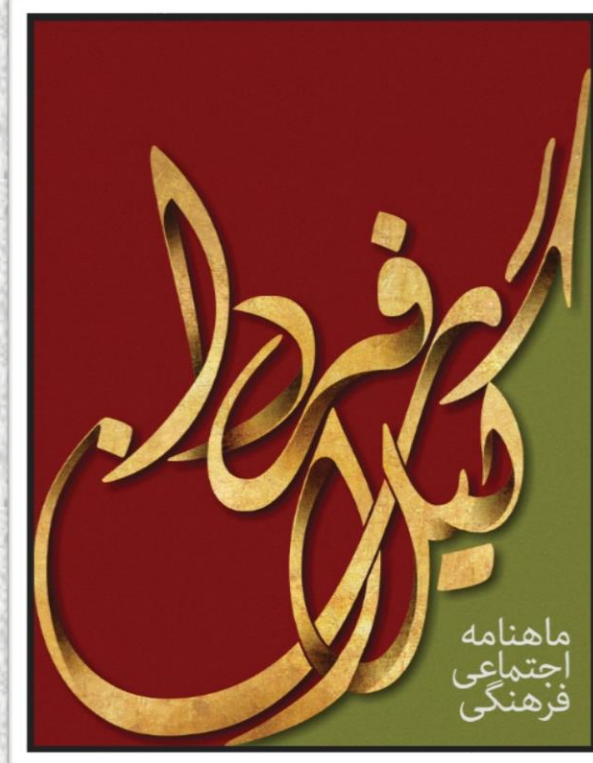
لزوم عزم ملی برای جلوگیری از ورشکستگی منابع آبی کشور

روز خبرنگار؛ روز شنیدن وعده‌ها

احداث بنای یادبود هوشنگ ابتهاج «سایه» در رشت

کمبود جدی پارکینگ در بیمارستان‌های خصوصی رشت

هنر درمانی به عنوان یک روش اثر بخش در ایجاد انگیزه



رسانه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا

(شماره ۱۴)

مرداد ۱۴۰۴

فهرست:

- آب نیست؛ لزوم عزم ملی برای جلوگیری از ورشکستگی منابع آبی کشور
- کمبود جدی پارکینگ در بیمارستان های خصوصی رشت
- احداث بنای یادبود استاد هوشنگ ابتهاج (سایه) در رشت
- یک کار مشخص از من بخواهید که برایتان انجام دهم
- رشد ۹ برابری طرح حمایتی شهید وزوایی
- روز خبرنگار؛ روز شنیدن وعده‌هایی که هیچ‌وقت عملی نشدند
- هنر درمانی به عنوان یک روش اثر بخش در ایجاد انگیزه، شکوفایی و خلاقیت
- واژه اگر بمیرد، عزت دفن می‌شود

عکس روی جلد: گیلان فردا

عکس پشت جلد: گیلان فردا (رودبار-جام مارلیک)



دوره جدید رسانه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا (آفلاین)

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: رقیه (شهلا) ابراهیم زاده اصلی

دارای مجوز به شماره ۷۴۷۳۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر از همکاران گروه تحریریه

Guilanfarda.ir

«مسئولیت محتوای مطالب ارسالی به عهده صاحبان و ارسال کنندگان

آثار است.»

آب، نیست...

لزوم عزم ملی برای جلوگیری از ورشکستگی منابع آبی کشور



«تنش آبی» در می یابیم که علاوه بر عوامل تاثیرگذار جغرافیایی، مدیریت ضعیف در ساماندهی نزولات جوی، عدم تقویت آب بندان ها، مصرف نادرست آب بدون داشتن الگویی استاندارد و بهره ور، کاشت محصولات کشاورزی آب بر و ... بسیار تاثیرگذارتر از عوامل جغرافیایی بوده است.

براساس اطلاعات موجود، ایران در منطقه ای خشک و نیمه خشک قرار دارد که میزان بارندگی سالانه در بسیاری از مناطق آن پایین و در حدود ۲۵۰ میلی متر گزارش شده است.

اما در استان های پر بارش مانند گیلان و مازندران چرا با کم آبی

اما برآستی چرا وضعیت ذخایر آبی کشور اینطور شده است؟ مدیریت منابع آبی به عهده کدام مدیران و افراد تاثیرگذار در سیاستگذاری و برنامه ریزی مرتبط بوده که وضع را بدین جا رسانده است؟ چه کسانی باید پاسخگوی این همه بی تدبیری باشند؟ درست است که می گویند ایران کشور پر آبی نیست ولی بی شک اگر مدیریت درست و اصولی در حوزه آب اتفاق می افتاد امروزه روز شاهد چنین بحران و فاجعه ای در بخش آب نبودیم.

با بررسی تاریخچه و دلایل بحران آب یا به قول کارشناسان این حوزه

گیلان فردا، سارا فرزانه - آیا شما هم با مشکل کم آبی مواجه هستید؟ پر واضح است که پاسخ پرسش من مثبت است. چون وقتی که ما در استان پر بارانی مثل گیلان با این پدیده روبرو هستیم، حتما در استان های دیگر این مسئله پر رنگ تر است.

اگر قبلا با این جمله هشدار می دادند که «آب هست، ولی کم است» الان باید هشدار داده شود که «آب، نیست!!»...

زمانی بیشتر متوجه ارزشمندی آب، این مایه حیات می شویم که نفس های زندگی به شماره می افتد!

مواجه هستیم! در پاسخ به این سوال گاه گفته می شود باران در فصول خاصی بیشتر می بارد و در فصل کشاورزی بارندگی کمتر است و یا گفته می شود پراکندگی زمانی و مکانی بارش ها نامتناسب است.

در این سال ها به کرات شنیده ایم که تغییرات اقلیمی، افزایش دما و کاهش میزان بارندگی ها در دهه های اخیر منجر به کاهش منابع آبی تجدیدپذیر شده است. به عنوان مثال، در برخی مناطق، دوره های خشک طولانی تر شده و در عوض، با افزایش بارش های سیل آسا و ناگهانی که منجر به روان آب های سطحی می شوند، مواجه هستیم .

کارشناسان می گویند تهران و بسیاری از استان های کشور بیش از پنج سال است که با خشکسالی مواجه اند در حالی که در گذشته پس از چند سال خشکسالی، شاهد چند سال، ترسالی بوده ایم.

به اذعان صاحب نظران یکی از مهم ترین دلایل بحران آب در ایران، مدیریت نادرست و ناکارآمد منابع آب عنوان می شود. استفاده بیش از حد از منابع آبی برای کشاورزی، که بیش از ۹۰ درصد از مصرف آب کشور را در بر می گیرد،

منجر به کاهش شدید سطح آب های زیرزمینی و خشکی بسیاری از دریاچه ها و تالاب ها شده است. عدم استفاده از روش های آبیاری مدرن و ناکارآمدی سیستم های آبیاری سنتی نیز به تشدید این بحران کمک می کند. عدم تدوین و اجرای سیاست های صحیح مدیریتی برای حفاظت و بهره برداری پایدار از منابع آبی نیز از جمله مشکلات مدیریتی بوده که در بحران آب نقش مهمی دارند.

رشد جمعیت و شهرنشینی، توسعه ناپایدار کشاورزی، تخریب منابع طبیعی و زیست محیطی و نظایر آن از جمله عوامل مهم | تاثیر گذار در بروز تنش آبی فعلی در کشور عنوان می شود. به نظر می رسد بهتر باشد در ادامه هر یک از عوامل نامبرده شده نوشته شود «بی برنامه»، به عبارت دیگر رشد جمعیت بدون برنامه، توسعه شهرنشینی بدون برنامه، توسعه کشاورزی بدون برنامه و... البته تخریب محیط زیست و منابع طبیعی با برنامه!! باعث شده تا به چنین وضعیتی گرفتار شویم .

هر عقل سلیمی می داند که بی برنامه گی در نگهداری و صیانت از محیط زیست، پیامدهای ناگواری را

در پی خواهد داشت که تا نسل ها موجب خسران جامعه خواهد بود. ولی گویا در کشور ما این موضوع مهم و حیاتی خیلی پیش پا افتاده است!! صیانت از محیط زیست به معنای محیط ایست نیست بلکه توجه دادن به استفاده و نگهداری درست از منابع و ذخایری است که مستقیما با زندگی و زنده ماندن جامعه مربوط می شود.

خشکیده شدن زاینده رود و دریاچه ارومیه آنقدر تاسف بار است که زبان از توصیف آن عاجز است. همانطور که در سال های اخیر بارها و بارها و بارها نسبت به کاهش عمق آب تالاب انزلی از هفت متر به یک متر هشدار داده شده است ولی کو درمان، کو توجه، کو برنامه های علمی درست برای جلوگیری از وقوع چنین فاجعه ای!

با اینکه گفته می شود قسمت اعظم منابع آبی کشور صرف بخش کشاورزی با زیرساخت های فرسوده و استفاده از روش های سنتی و کم بازده می شود ولی هنوز هم در روش های کاشت، داشت و برداشت کشاورزی هیچ تغییر اساسی بوجود نیامده و این در حالی است که بسیاری از کشورها بدون داشتن آب و حتی خاک مناسب با روش های

علمی به تولید محصولات زیادی مشغولند که نه تنها غذای مردم خود را با قیمت تمام شده کمتری تولید می کنند بلکه صادرات کشورشان را نیز پوشش می دهند .

بارها در خبرها گفته شده که کاشت محصولاتی که نیاز زیادی به آبیاری دارند، در مناطقی که منابع آبی محدود هستند، یکی از عوامل مهم بحران آب در ایران محسوب می شود. از سوی دیگر استفاده از تکنولوژی های قدیمی و ناکارآمد در بخش صنعت و کشاورزی نیز در هدررفت مقدار زیادی از منابع آبی نقش دارد. عدم تناسب بین نوع محصول و شرایط اقلیمی و آبی منطقه نیز یکی دیگر از مشکلاتی بوده که منجر به مصرف بی رویه آب در بخش کشاورزی شده است. همچنین ایجاد و استقرار صنایع آب بر در مناطق خشک، یکی دیگر از بی فکری هایی بوده که بدون در نظر گرفتن هزینه-فایده برای کشور در دهه های اخیر اتفاق افتاده است.

بعضی ها هم براین باورند چون قسمت اصلی منابع آبی کشور در

بخش کشاورزی صرف می شود و مصرف خانگی کمتر از ۱۰ درصد آب کشور را به خود اختصاص می دهد پس صرفه جویی کردن یا نکردن در بخش خانگی، گره از مشکلی باز نمی کند! اما به نظر می رسد در شرایط فعلی که ذخایر آبی کشور به اذعان مسئولان و کارشناسان این حوزه به کمتر از بیست درصد رسیده، صرفه جویی حتی یک قطره آب هم می تواند برای گذر از این دوره تنش آبی، هر قدر کم و کوچک اما اثر بخش باشد .

طبیعتا برای مقابله با بحران آب و گذر از این شرایط ویژه، باید هم از راهکارهای کلان و بلند مدت و هم راهکارهای میان مدت و کوتاه مدت استفاده کرد.

به اعتقاد صاحب نظران بخش آب، بهبود منابع آبی از جمله مهمترین راهکارهایی است که دولت با برنامه ریزی و سیاستگذاری درست باید در آن جهت گام بردارد. اجرای طرح های جامع مدیریت منابع آب، استفاده بهینه از منابع موجود و توسعه زیرساخت های آبیاری مدرن

می تواند به کاهش مصرف آب و حفظ منابع آبی کمک کند .

استفاده از فناوری های نوین آبیاری مانند آبیاری قطره ای و آبیاری تحت فشار می تواند به میزان قابل توجهی مصرف آب در بخش کشاورزی را کاهش دهد. همچنین تغییر الگوی کشت و استفاده از محصولات مقاوم به کم آبی و خشکی یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش مصرف آب است .

استفاده مجدد از پساب ها و آب های فاضلاب تصفیه شده در بخش های مختلف مانند کشاورزی و صنعت می تواند به کاهش فشار بر منابع آب های شیرین کمک کند .

باید قبول کنیم که در دهه های اخیر پدیده های شومی همچون جنگل خواری، کوه خواری، ساحل خواری و ... همچنین برداشت بی رویه از منابع آبی، برداشت بی رویه شن و ماسه از بستر رودخانه ها و نظایر آن باعث شده ترکیب و کارکرد طبیعی ذخایر و منابع کشورمان از جمله منابع آبی دستخوش ورشکستگی شوند !

کمبود جدی پارکینگ در بیمارستان های خصوصی رشت؛

بیماران و همراهان سرگردان در کوچه ها



گیلان فردا- در حالی که فروشگاه‌های بزرگ در شعبه‌های مختلف، برای رفاه مشتریان خود، پارکینگ اختصاصی و نیروی ساماندهی در نظر گرفته‌اند، در بیمارستان‌های خصوصی رشت کوچک‌ترین تمهیدی برای حال بیماران و همراهان اندیشیده نشده است. بیماران که در شرایط اورژانسی به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، نه تنها با کمبود جای پارک روبه‌رو هستند، بلکه باید با دغدغه‌های دیگر از جمله نبود نیروی نظم‌دهنده، خیابان‌های باریک اطراف بیمارستان و ترافیک شدید دست و پنجه نرم کنند.

این وضعیت باعث شده تا همراهان بیماران با استرس مضاعف، بارها مجبور به چرخ زدن در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف شده و فرصت طلایی برای رسیدگی درمانی از بین برود. جای تأسف دارد مراکزی که با تعرفه‌های بالا و هزینه‌های گزاف خدمات ارائه می‌دهند، حتی حداقل زیرساختی مثل محل پارک مناسب برای بیماران و همراهان در نظر نگرفته‌اند.

انتظار مردم از مسئولان شهری، دانشگاه علوم پزشکی و مدیران بیمارستان‌های خصوصی رشت این است که در کنار توسعه خدمات درمانی، به رفاه بیماران و همراهان هم توجه کنند. نبود پارکینگ، فقط یک معضل ترافیکی نیست، بلکه مستقیماً با جان و سلامت مردم در ارتباط است.

گزارش‌های مردمی نشان می‌دهد نارضایتی از این وضعیت در حال افزایش است؛ و امید می‌رود رسانه‌ها و مسئولان محلی صدای مردم را بشنوند. کاش این مطالبه ساده ولی مهم به گوش مسئولان برسد چون به گمان مسئولان ما از حقوق شهروندی بی‌اطلاع هستیم!

(مطلب ارسالی از سوی چند تن از شهروندان که به دلیل بیماری و جراحی عزیزانشان طی روزهای اخیر ناچار به حضور مستمر در یکی از بیمارستان‌های خصوصی رشت بودند و علاوه بر نگرانی بابت حال بیماران، مشکلات تهیه دارو و هزینه‌های سرسام‌آور درمان، درگیر ترافیک شدید و عدم جای پارک کنار بیمارستان ... بوده‌اند).

به همت سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان

احداث بنای یادبود استاد هوشنگ ابتهاج (سایه) در رشت



گیلان فردا، الیاس بشری-رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان از پیش بینی اعتبار ۱۶۰ میلیارد ریالی برای احداث بنای یادبود استاد هوشنگ ابتهاج، شاعر نام آشنای گیلان بر جوار مزارش در رشت خبر داد.

به گزارش واحد روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، محمدرضا رستمی در دیدار با فرزند استاد ابتهاج شاعر فقید گیلانی با بیان اینکه «سایه» از مفاخر و سرمایه های فرهنگی استان گیلان است، گفت: نکوداشت یاد و نام مفاخر این سرزمین به عنوان گنجینه و میراث فرهنگی و معنوی وظیفه همه آحاد جامعه است.

رستمی با اشاره به علاقه مردم رشت و گیلان به استاد ابتهاج، گفت: احداث بنای یادبود بر مزار این شاعر نامدار با پیش بینی اعتبار ۱۶۰ میلیارد ریالی در دستور کار سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان قرار دارد.

وی با اشاره به اینکه این بنای یادبود می تواند به عنوان یک مکان فرهنگی از مقاصد گردشگری شهر رشت باشد، خاطرنشان کرد: عملیات اجرایی احداث این بنای یادبود، همزمان با سالروز وفات استاد ابتهاج، آغاز خواهد شد.

(عکس ها: گیلان فردا، الیاس بشری)

یادآوری؛ هوشنگ ابتهاج، متخلص به سایه، شاعر و پژوهشگر معاصر ایرانی بوده است. او در ۶ اسفند ۱۳۰۶ در رشت متولد شد. ابتهاج به هر دو سبک کلاسیک و نو شعر می‌سرود و آثاری چون «ارغوان»، «سپیده» و «در کوچه‌سار شب» از جمله اشعار معروف او هستند. او همچنین در زمینه موسیقی نیز فعالیت داشت و از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ سرپرست برنامه گل‌ها در رادیو ایران بود.

هوشنگ ابتهاج در ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ در سن ۹۴ سالگی در شهر کلن آلمان به علت نارسایی کلیه و کهولت سن درگذشت. پیکر او صبح شنبه ۵ شهریور ۱۴۰۱ در باغ محتشم رشت به خاک سپرده شد.

به گفته خودش او هرچه‌قدر که به زندگی عشق می‌ورزید، به مرگ فکر نمی‌کرد.



ارغوان

شاخه همخون جدا مانده من
 آسمان تو چه رنگ است امروز؟
 آفتابی ست هوا؟
 یا گرفته است هنوز؟
 من در این گوشه که از دنیا بیرون است
 آفتابی به سرم نیست
 از بهاران خبرم نیست
 آنچه می بینم دیوار است
 آه این سخت سیاه
 آن چنان نزدیک است
 که چو بر می کشم از سینه نفس
 نفسم را بر می گرداند
 ره چنان بسته که پرواز نگه
 در همین یک قدمی می ماند
 کورسویی ز چراغی رنجور
 قصه پرداز شب ظلمانی ست
 نفسم می گیرد
 که هوا هم اینجا زندانی ست
 هر چه با من اینجاست
 رنگ رخ باخته است
 آفتابی هرگز
 گوشه چشمی هم
 بر فراموشی این دخمه نینداخته
 است.
 اندر این گوشه خاموش فراموش شده
 کز دم سردش هر شمعی خاموش
 شده
 باد رنگینی در خاطر من
 گریه می انگیزد
 ارغوانم آنجاست
 ارغوانم تنهاست...





استاندار در مراسم روز خبرنگار در تالار مرکزی رشت خطاب به اصحاب رسانه:

یک کار مشخص از من بخواهید که برایتان انجام دهم

گیلان فردا، ساناز فرزانه- بالاخره مراسم روز خبرنگار امسال هم برگزار شد. با همه امیدها و و عده ها، با گمان اینکه شاید همه چیز بهتر شود...

طبق معمول چند روز پیش از سوی اداره کل ارشاد اسلامی گیلان اطلاع رسانی شد و خبرنگاران برای حضور در این مراسم دعوت شدند. خیلی ها آمدند، خیلی ها هم نیامدند.

استاندار در این مراسم حضور داشت. معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد هم مهمان ویژه این مراسم بود. همچنین رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد گیلان، معاون فرهنگی ارشاد و فرماندار رشت هم بودند.

خبرنگاران حاضر در مراسم، تقریباً هم مهمان بودند و هم میزبان. اعضای هیات مدیره خانه مطبوعات، پیشکسوتان عرصه رسانه استان، خبرنگاران جوان، مدیران مسئول رسانه ها، عکاسان خبری و... در عین اینکه مهمان بودند اما خیلی ها در حال تهیه خبر، گزارش و عکس نیز بودند به بیان دیگر در حال انجام وظایف محوله.



نخست میلاد ابراهیمی، مدیرعامل خانه مطبوعات گزارش کوتاهی از بازدید جناب استاندار از این خانه ارایه داد. سپس گله مندی مدیران مسئول را به جهت عدم دریافت هدیه معاونت مطبوعاتی به گوش مهمان ویژه وزارتخانه رساند. (البته بجز مدیران مسئول، خیلی از خبرنگاران استان نیز هدیه معاونت مطبوعاتی را دریافت نکردند! و معلوم نیست انتخاب ها بر چه پایه ای و به چه صورتی در وزارتخانه انجام شده!)

امیرحسین طاهری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان نیز خواستار تسهیل فرایند انتقال مالکیت ساختمان خانه مطبوعات از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به خود خانه مطبوعات شد و از استاندار گیلان درخواست کرد تا با صدور دستورات لازم زمینه این انتقال را فراهم آورد.

برنامه بعدی این مراسم حضور یک به یک خبرنگارانی بود که هر یک به نمایندگی از بخش خود پشت تریبون قرار گرفتند و نظرات و خواسته های خود را عنوان کردند.

البته به نظر می رسد که خیلی از مطالبات تکراری باشد که نشان می دهد قول ها و وعده ها در دوره های پیشین محقق نشده و مطالبات رسوب شده از سال ها پیش باقی مانده است.

پیشکسوتان می گفتند حدود بیست تا سی سال از فعالیت خبری آن ها گذشته ولی خیلی از مسایل و مشکلات این حوزه هنوز باقی مانده است.

محمدرضا نوروزپور، معاون امور رسانه و تبلیغات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مهمان ویژه وزارتخانه نیز ضمن قدردانی کلی از زحمات خبرنگاران، نیمی از صحبت خود را به نقش سایه، میرزا کوچک خان و صابر فومنی در توسعه فرهنگ رسانه اختصاص داد و نیم دیگر زمان خود را به اینکه در شرایط ویژه ای هستیم و پاسخگوی همه مطالبات بودن کار دشواری است. وی به تعداد زیاد خبرنگاران و مدیران مسئول در کشور اشاره کرد و آرزو کرد بتواند در جهت تسهیل امور خبرنگاران گامی بردارد چرا که خود سال ها خبرنگار بوده و با مشکلات این قشر آشنا است.

استاندار اما یک درخواست مشخص داشت و آن اینکه از اهالی رسانه استان خواست تا از وی یک درخواست مشخص داشته باشند. استاندار هم با قدردانی از فعالیت های تمام وقت اصحاب رسانه خواهان این بود که به جای دادن قول های مختلف که ممکن است در حد وعده باقی بماند، قول یک کار را بدهد، اما قولی که انجام شود. به همین خاطر خطاب به حاضران گفت: جلسه دیگری بگذارید، من هم می آیم، پس از رایزنی یکی از بزرگترین مشکلات و مسایل جامعه خبری استان را که



در چارچوب اختیارات من باشد به من بگویید تا برایتان حل کنم. اما انتخاب همان یک مسئله بسیار مهم است. چون یکی از مشکلات این است که در وهله اول مسئله شناسی درست انجام نمی شود.

حق شناس ضمن اشاره به نقش اثرگذار گیلان در بسیاری از حوزه ها از جمله به نقش تاریخی گیلانیان در تحولات سیاسی کشور اشاره کرد و فعالیت اصحاب رسانه در جنگ ۱۲ روزه را شایسته تقدیر دانست.

در بخش انتهایی این مراسم نیز از چند خانواده شهید خبرنگار و چند خبرنگار پیشکسوت تجلیل شد.

به نظر می رسید در پایان این مراسم دو ساعته کسانی که در حال ترک سالن بودند گویا هنوز گمشده خود را پیدا نکرده اند! مزه مزه کردن واژه هایی از جمله ضرورت امنیت شغلی، قوانین پشتیبان، امکانات، رفاهیات، مدیرانی که از رسانه فرار نکنند، شفافیت، هدیه روز خبرنگار، تورم، نداشتن درآمد لازم به رغم تلاش زیاد، سوبسیدها، نورچشمی ها، حرف ها و عمل ها، وعده ها و وعیدها و ... در نگاه همکاران و گاه در جمله بندی ها و گفت و گوهای پایان جلسه مشهود بود. با این همه به نظر می رسد باید امیدوار بود و سخت تلاش کرد ...

(عکس ها: طوفان بهداد-سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد استان)

رشد ۹ برابری طرح حمایتی شهید وزوایی برای حمایت از دانشجویان منتخب در سال ۱۴۰۳



فعالیت های بنیاد در سال ۱۴۰۳ معرفی گسترده تر بنیاد و تلاش برای شناساندن فعالیت های مرتبط برای تعداد بیشتری از مدیران بوده است. به عنوان مثال جلسات و نشست های مختلفی با مدیران حوزه های مختلف و صاحبان صنایع و ... داشته ایم.

وی انعقاد طرح اندیشه ورز تحول در کشاورزی استان با تمرکز در حوزه ابریشم را یکی از فعالیت های بنیاد برشمرد و گفت: در قدیم حوزه ابریشم یکی از فعالیت های پر رونق استان بود که متأسفانه طی دهه های اخیر کمرنگ شد و در تلاش هستیم تا در این زمینه گام های علمی و اثرگذار برداشته شود. به گفته رئیس این بنیاد طرح های پیشرو به عنوان اثرگذاری اساتید در حل مسایل استان، انعقاد دو برنامه پسا دکترا، برگزاری دو طرح تکریم ملی از جمله مراسم تکریم زنده یاد دکتر معین و اهدای جایزه پروفیسور حسن ابراهیم زاده پدر زیست شناسی ایران، همچنین اعطای جایزه دکتر ابریشم چیان، تکریم دانشمندان یک درصدی، مشارکت در ساخت مستند پروفیسور ابراهیم زاده، برگزاری رویداد صدرا، برگزاری دو مورد مدرسه خلاقیت، برگزاری ۱۰ مورد طرح ایران گشت در سطح ملی و استانی در راستای تقویت ارتباط دانشجویان با مراکز پژوهشی و

گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی - رئیس بنیاد نخبگان گیلان با بیان اینکه نخبگی فقط در بعضی از علوم خاص یا برخی از رشته ها نیست، تأکید کرد؛ برای شناسایی نخبگان در همه رشته های علوم انسانی، فنی، هنری، ادبی و ... باید جستجو کرد. دکتر فرهاد شیرینی، ضمن تبریک روز خبرنگار، گفت: هیچ کاری به نتیجه نمی رسد مگر اینکه شفاف سازی شود و مجموعه رسانه ها قلب هر حرکتی هستند. اتفاقات جامعه نیز نشان می دهد که حوزه خبر از کلیدی ترین بخش ها است که باید بدان اهمیت ویژه ای داد.

وی با اشاره به اینکه امسال در آستانه بیستمین سالگرد تاسیس بنیاد نخبگان هستیم، گفت: این بنیاد متولی اصلی امور نخبگان است و از بدو تاسیس تاکنون خدمات گسترده ای را در سه حوزه شناسایی، توانمند سازی و کمک به اثرگذاری نخبگان ایفای نقش کرده است.

وی ضمن تشکر از همه سازمان های مرتبط و همراه با بنیاد نخبگان و زحمات همکاران رسانه، بخشی از موفقیت های بنیاد طی این بیست سال را مرهون تلاش ها و پیگیری های این عزیزان ارزیابی کرد و گفت: از عمده

... از جمله فعالیت هایی بود در سال ۱۴۰۳ توسط بنیاد نخبگان گیلان انجام شد. وی همچنین به برگزاری نشست های اجتماعات نخبگانی با مسئولین استانی و کشوری، نشست با همکاران صدا و سیما، اشاره کرد و گفت: با ۵۷ طرح پیشنهادی برای حل مسایل استان در اولین گفتاورد ملی حضور پیدا کردیم که دو مورد به انعقاد قرارداد رسید. وی انجام طرح حمایتی شهید وزوایی را یکی از موفقیت های بنیاد نخبگان استان در سال ۱۴۰۳ اعلام کرد و افزود: این طرح نسبت به سال قبل ۹ برابر رشد داشته است. به گونه ای که امسال ۳۴ نفر از دانشجویان ما موفق شدند (براساس سوابق تحصیلی، رتبه کنکور و مقالات پژوهشی در سطوح کارشناسی - ارشد و دکترا) مورد حمایت طرح شهید وزوایی قرار بگیرند.

شیرینی اضافه کرد: همچنین پنج مورد طرح شهید احمدی روشن (سه طرح اولویت محور و دو طرح نیاز محور) انتخاب شدند که قسمتی از هزینه های مالی طرح را بخش صنعت تقبل می کند. (گفتنی است توجه علمی به پسماند زیتون یکی از این طرح ها است.) اعطای جایزه ربوکاپ، دو مورد اختراع، حمایت از منتخبین دو مدرسه خلاقیت و برگزاری ۳۰۰ ساعت مشاوره تحصیلی از دیگر نکاتی بود که وی بدان پرداخت.

این استاد دانشگاه با یادآوری اینکه ۱۰ مهر روز ملی نخبگان نامگذاری شده است، اظهار امیدواری کرد که در سال ۱۴۰۴ روند اداری نامگذاری خیابانی در رشت به نام نخبگان تسریع یابد. وی در بخش دیگر این جلسه در خصوص فعالیت های پنج ماهه اول بنیاد در سال ۱۴۰۴ نیز گفت: یکی از کارهای ارزشمند ماه های اخیر این بوده است که فعالیت حوزه اندیشه ورز به اتمام رسیده و الان در مرحله داوری است. همچنین دو طرح شهید بهشتی نیز

به تازگی تمام شده است که یکی در حوزه کیوی و دیگری در بخش مهاجرت است. چون مهاجرت یکی از موضوعات مهم در گیلان است و در این طرح با حضور نخبگان دانشگاهی مباحث مهاجرت معکوس «فرصت ها و تهدیدها» مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. وی با ابراز امیدواری از اینکه نتایج این طرح ها مورد بهره برداری مدیران قرار گیرد و راه گشای حل پاره ای از مسایل استان باشد، تلاش برای جذب نخبگان در ادارات و سازمان ها و ضرورت همکاری متقابل سازمان ها برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود از میان نخبگان، پیگیری مسکن برای نخبگان، برگزاری برنامه تکریم برای زنده یاد پروفیسور آذراندازی و یکی دیگر از نخبگان پیشکسوت و مشهور که در قید حیات هستند، تدوین ۱۰ عنوان کتاب زندگی نامه بزرگان شهیر علمی و فرهنگی استان از جمله آذر اندازی، دکتر مجتهدی، دکتر علی زرگری و دکتر باقری را از جمله برنامه های پیش روی بنیاد اعلام و خاطرنشان کرد: انجام ۱۰ طرح پسا دکتری مازاد بر ظرفیت استان، تصویب سه طرح اندیشه ورز (از جمله طرح های پسماند، اقتصاد دریا محور و طرح شورای حل اختلاف) و همچنین طرح اندیشه ورز دیگری در حوزه رودخانه های رشت را که منتظر تصویب نهایی است از دیگر برنامه های بنیاد نخبگان استان در سال جاری برشمرد. وی با تاکید بر اینکه تلاش می شود تا چتر حمایتی بنیاد نخبگان تمام نخبگان گیلان را پوشش دهد، یادآور شد که نخبگی فقط در بعضی از علوم یا برخی از رشته ها نیست بلکه برای شناسایی نخبگان در همه رشته های علوم انسانی، فنی، هنری، ادبی و ... باید جستجو کرد. رییس بنیاد نخبگان استان گیلان اطلاع رسانی بیشتر و نزدیک تر به جامعه مخاطب در راستای جذب مشارکت بیشتر برای ایجاد اعتبار اجتماعی را در این حوزه از ضروریات دانست.

روز خبرنگار؛ روز شنیدن وعده‌هایی که هیچ‌وقت عملی نشدند!



امروز، ۱۷ مرداد، روز کسانی است که قلم‌شان نه فقط ابزار کار، که مشعل آگاهی و وجدان بیدار جامعه است.

صحبت در جمع پیشکسوتان عزیزی که هر کدام‌شان خود بانک تجربه‌اند، برای من که بیش از دو دهه افتخار فعالیت رسانه‌ای دارم، حکایت همان «زیره به کرمان بردن» است.

هر چه آموخته‌ام، از تجربه زیستن با این عزیزان بوده؛ تجربه‌ای که نه در کلاس، که در خیابان، در بحران، در فشار و در خطر نوشته شده است.

کار ما «شغل» نیست، سبک زندگی‌ست. نه به نان رسیده‌ایم نه به نام و نه حتی به امنیت شغلی!

اما همچنان عاشق مانده‌ام، چون خبرنگاری برای آنان که طعم آن را چشیده‌اند، چیزی فراتر از شغل است. ما نه کاسب سیاستیم، نه تاجر خبر. ما را عشق نوشتن نگه داشته؛ عشقی بی‌پاداش و بی‌امنیت!

گیلان فردا - مراسم گرامیداشت روز خبرنگار و تجلیل از اصحاب رسانه، روز جمعه (۱۷ مرداد ۱۴۰۴) با حضور محمدرضا نوروزپور، معاون امور رسانه و تبلیغات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هادی حق شناس، استاندار، مدیران و مسئولان استانی و شهرستانی، اعضای هیات مدیره خانه مطبوعات گیلان و جمعی از اصحاب رسانه در تالار مرکزی رشت برگزار شد. در این مراسم تعدادی از فعالان این حوزه به نمایندگی از رسانه های مکتوب، پایگاه های خبری و خبرگزاری ها به بیان نظرات، دیدگاه ها و مطالبات خبرنگاران و مدیران مسئول پرداختند.

از جمله مطالبی که در این همایش ارایه شد دنوشته آقای حسن سامری (صاحب امتیاز و مدیرمسئول پایگاه اطلاع رسانی ناظرخبر، که سال ها در حوزه رسانه استان قلم می زنند) بود که براستی به مثابه زبان گویای بسیاری از همکاران رسانه ای جلوه گری می کرد .

در ادامه دنوشته این همکار عزیز که در حضور استاندار محترم و سایر مهمانان و مدعوین ارایه شد به نظرتان می رسد:

به نام خداوند نون و قلم، که سوگندش یادآور رسالت سنگین اهل اندیشه و قلم است.

قبل از هر چیز، خوشامد می‌گویم به همه حاضران در این محفل که قرار است به نام "خبرنگار" برگزار شود . از اینکه فرصتی فراهم شد تا صدای خبرنگاران، نه در تیتراژ یک رسانه، بلکه از تریبون این همایش شنیده شود، باید خدا را شاکر بود.

خبرنگاری، حرفه‌ای است که با عشق آغاز می‌شود، با رنج ادامه می‌یابد و گاهی با خودزنی به پایان می‌رسد! ما از درد مردم می‌نویسیم، از رنج کارگر، از آه پاکبان، از فریاد بیمار. اما وقتی قلم به دست می‌گیریم، انگار وارد میدان جنگی می‌شویم که همه علیه‌مان هستند. می‌نویسی، مسئول ناراحت می‌شود؛ نمی‌نویسی، مردم گله می‌کنند و در این میان، ما باید ثابت کنیم که "خبرنگاریم"، انگار این حرفه نیاز به اثبات مداوم دارد!

اما اجازه بدهید امروز بی‌پرده سخن بگویم. سال‌هاست روز خبرنگار که می‌رسد، مسئولان پشت تربیون می‌روند، لیست بلندی از وعده‌ها را می‌خوانند، چند عکس یادگاری می‌گیرند و می‌روند. ما می‌مانیم... با "هیچ".

در تمام این سال‌ها، در تمام این دهه‌ها، روز خبرنگار برای ما فقط یک معنا داشته: روز شنیدن وعده‌هایی که هیچ‌وقت عملی نشدند!

مسئولان در دهه‌های گذشته، وعده دادند: بیمه خبرنگار و سختی کارشان را جدی می‌گیریم، امنیت شغلی برقرار خواهد شد، مسکن خبرنگاران در دستور کار است، تسهیلات می‌دهیم، دلگرمی می‌دهیم... اما در عمل، فقط یک چیز دادند: یادداشت‌هایی برای آرشیو بایگانی‌ها! ما ماندیم، با باری از مسئولیت، بدون حتی یک پشتوانه قانونی واقعی.

مسئولان آمدند، نشستند، گفتند، رفتند و ما ماندیم... با کیبوردهایی که حروف‌شان پاک شده، با دوربین‌هایی که مستهلک شدند، با گوشی‌هایی که بیشتر شبیه آینه ترک‌خورده‌اند و مهمتر، با امیدهایی که مثل کاغذهای کاهی، زرد و بی‌جان شده‌اند.

هر سال، در چنین روزی، مسئولان پشت همین تربیون‌ها از عشق خبرنگاری سخن گفتند. اما یک نفر نپرسید: عشق با قبض تلفن، قبض اینترنت، قبض برق، قسط بانک، هزینه ایاب و ذهاب، اجاره دفتر و... چه می‌کند؟

این روزها، بسیاری از کارمندان دولت در کنار خانواده‌های خود از تعطیلات بهره‌مندند؛ تعطیل باشند یا نباشند، حقوق‌شان برقرار است. اما در این میان، خبرنگار، نه تعطیلی می‌شناسد، نه آرامش.

ما همان مرغ عزا و عروسی هستیم؛ همیشه وسط میدان. نه تعطیلی به حالمان فرقی دارد، نه اضافه‌کاری در فیش حقوقی‌مان می‌نشیند، نه پاداشی در پایان سال هست، نه حق مأموریتی برای پوشش رویدادها. ما هستیم تا خبر برسایم، فارغ از اینکه خودمان در چه شرایطی زندگی می‌کنیم.

و حالا طنز تلخ ماجرا؛ هر سال ۱۷ مرداد، سیل تبریکات و هدایای نمادین سرازیر می‌شود. یک میلیون تومان هدیه؟! دست‌تان درد نکند، لابد دوستان عزیز در وزارت ارشاد فراموش کرده‌اند که تورم این کشور در برخی موارد سه رقمی است! بدتر، این که امسال مدیران مسئول را هم حذف کردند. در صورتی که نیمی از مدیران مسئول، خودشان خبرنگار هستند! مشخص هم نیست اتاق فکر این خط‌کشی‌ها کجاست؟ انگار قرار است نمک روی زخم‌مان بپاشند!"

ما می‌دانیم که شأن قلم، از قیمت نان بالاتر است؛ اما نان نباید ابزار تحقیر خبرنگار باشد! ما خبرنگاران، اگر بناست هنوز صدای مسئولان باشیم، باید دیده شویم، نه صرفاً شنیده شویم. باید حمایت شویم، نه فقط وعده بشنویم. باید در مرکز توجه باشیم، نه حاشیه حاتم‌بخشی‌ها!

خبرنگار با ساندیس دلگرم نمی‌شود! خبرنگار را با شانش، با امنیت شغلی‌اش، با کرامت قلمش باید دلگرم کرد.

ما خبرنگاران، اگرچه قرار نیست مطالبه‌گر نان باشیم، اما بی‌نان چگونه صدای مردم باشیم؟

اگرچه قرار نیست دنبال قدرت باشیم، اما بدون امنیت شغلی، چگونه در برابر قدرت بایستیم؟

و اگرچه عاشق کارمان هستیم، اما مگر می‌شود فقط با عشق، خانواده را سیر کرد؟

آقایان مسئول، می‌گویید رسانه پل ارتباطی مردم و شماست، اما پل که یک‌طرفه باشد، فرو می‌ریزد! قوانین مطبوعات ما، مثل لباسی ژنده و کهنه، دیگر بر تن این جامعه پویا نمی‌نشیند. شفاف نیستند، به‌روز نیستند و گاهی به جای حمایت، دست‌وپای ما را می‌بندند.

امنیت شغلی؟ بیمه؟ حقوق مکفی؟ این‌ها برای بسیاری از ما، رویایی دست‌نیافتنی است. خیلی از ما، شب‌ها تا نیمه‌شب خبر می‌نویسیم و روزها در میدان خطر هستیم، اما دریغ از یک تضمین که اگر فردا قلم‌مان به مذاق کسی خوش نیامد، نان‌مان آجر نشود.

ما اهل تملق نیستیم، اهل مطالبه‌ایم. اهل سهم‌خواهی نیستیم، اهل حق‌خواهی‌ایم. اهل حذف و حاشیه نیستیم، اهل روایتیم، ثبتیم، سندیم.

و اگر امروز هنوز ایستاده‌ایم، نه به برکت حمایت مسئولان، بلکه به برکت رفاقت با مردم و انتشار حقیقت است.

از شما، مسئولین محترم، یک درخواست دارم: تبریک و تقدیر کافی‌ست. به جای هدیه‌های نمادین، به ما امنیت شغلی، بیمه، و قوانین شفاف بدهید. به ما فضایی بدهید که

بدون ترس از تهدید و شکایت، حقیقت را بگوییم. رسانه بدون خبرنگار، جسمی بی‌جان است، و خبرنگار بدون حمایت، مشعل‌داری خاموش!

از همه‌ی این‌ها که بگذریم، چالش مواجهه با مدیرانی که مثل ماهی از دست خبرنگاران سر می‌خورند و فرار می‌کنند، خود قصه‌ای است پرغصه‌تر از کمبود بیمه و نداشتن امنیت شغلی خبرنگاران!

برخی مدیران به‌جای آن که از رسانه به‌عنوان بازوی نظارت مردمی استقبال کنند، آن را همچون شبی مزاحم تلقی کرده و سعی می‌کنند با ناپدید شدن، صورت مسئله را پاک کنند. این عزیزان حتی به توصیه‌ها و تذکرات جناب استاندار هم بی‌اعتنا هستند و به ندرت، آن‌هم چون کسوف و خسوف، سالی یک‌بار ظهور می‌کنند! مدیرانی که زندگی مردم را با برخی تصمیمات زیر و رو کرده‌اند.

یادمان باشد، فرار از رسانه، فرار از مردم است و بالاخره روزی باید پاسخ افکار عمومی را داد و البته، بالاتر از آن، پاسخ خداوند را.

ما نمی‌خواهیم خبرنگار دولت‌ها باشیم. ما می‌خواهیم رسانه مردم بمانیم و تا وقتی قلم‌مان گره‌ای از مشکلات مردم باز کند، می‌نویسیم، حتی اگر برچسب بخوریم، حتی اگر به حاشیه رانده شویم. ما خبرنگاریم، نه تملق‌گو. شرافت داریم، نه سهم‌خواهی. ما مطالبه‌گریم، نه مطیع. ما آینده‌ایم، نه قاب طلایی. با همه این‌ها، هنوز ایستاده‌ایم؛ چون هنوز باور داریم که نیش قلم ما، از نیش وعده‌های بی‌عمل، شریف‌تر است.

امروز دیگر مردم به سخنرانی و وعده‌های پر زرق و برق دل نمی‌بندند؛ افکار عمومی آگاه‌تر از همیشه و سطح انتظار مردم بالا است، جامعه امروز نمی‌پذیرد ایران را با پاکستان،

افغانستان، سومالی یا گینه مقایسه کنیم و برای کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها به آن کشورها ارجاع دهیم.

مردم امروز، بهتر از من و شما می‌دانند چه باید کرد.

از همه همکارانم می‌خواهم که فراموش نکنند؛ ما اگرچه تنها مانده‌ایم، اما بی‌صدا نیستیم. صدای ما، درد مردم است، و اگر شمای مسئول صدای ما را نشنوید، آیندگان خواهند نوشت که در دوران ما، خبرنگار، فریاد زد.

و در پایان؛ همکاران خستگی‌ناپذیر! بیایید ایستاده بمانیم؛ با تمام درد، با تمام بی‌مهری‌ها، اما با قلم‌هایی که

نمی‌فروشد، دوربین‌هایی که نمی‌ترسند و قلب‌هایی که هنوز برای ایران و ایرانی می‌تپند.

امیدوارم که روز خبرنگار، دیگر شروع مجدد وعده‌ها نباشد، بلکه پایان شعار و آغاز عمل باشد.

اگر تلخ گفتم، بپذیرید که صداقت، همیشه لب‌خند نمی‌آورد؛ گاهی صداقت، طعنه می‌زند تا بیدار کند!

از همراهی شما عزیزان جان سپاسگزارم. (پاینده باد ایران)





هنر درمانی به عنوان یک روش اثر بخش در ایجاد انگیزه، شکوفایی و خلاقیت

هنر ابزاری قدرتمند برای بیان احساسات دشوار است و به افراد کمک می‌کند تا افکار و هیجانات خود را به شکلی غیر کلامی و سازنده ابراز کنند. به بیان دیگر هنر با درگیر کردن ذهن و تخلیه انرژی‌های منفی، به آرامش و کاهش اضطراب کمک کرده و همچنین با بیان خلاقانه احساسات از طریق هنر می‌توان ضمن ارتقای روحیه، افزایش انگیزه و تقویت احساس قدرت و آفرینندگی بر بسیاری از ناملایمات فایق شد.

هنر درمانی یک روش درمانی است که از خلاقیت و بیان هنری برای بهبود سلامت روان استفاده می‌کند. این روش بر این اصل تمرکز دارد که فرآیند خلاقیت و خلق آثار هنری، تاثیر قابل توجهی بر روان و روح انسان دارد.

انجام کار هنری فرصتی فراهم می‌کند تا افراد بتوانند هیجانات خود را به صورت خلاقانه و آزادانه بیان کنند. وقتی فرد درگیر فعالیت‌های هنری می‌شود، دقت خود را به این فعالیت متمرکز کرده و حالت ذهنی آرامی را تجربه می‌کند. فعالیت‌های هنری می‌تواند به فرد کمک کند تا با ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایش بیشتر و عمیق‌تر آشنا شود و نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد.

براساس اطلاعات موجود هنر درمانی تاریخچه‌ای طولانی دارد. در دوران باستان، از هنر و موسیقی به عنوان روش

گیلان فردا، سانا فرزانة- این روزها سبک و سیاق زندگی به گونه‌ای شده که بسیاری از آدم‌ها به دنبال پناهگاهی برای آرامش هستند. جایی و فضایی که ذهن، درگیر مشغله‌های روزمره نباشد و فراغ بالی پیدا شود برای غور در خویشتن خویش. فوران اخبار و اطلاعات کوچک و بزرگ، اطلاعات با ارزش و بی ارزش به حدی گسترده شده است که بسیاری از افراد نه در میان جمع، آرامش را تجربه می‌کنند و نه در تنهایی! چون تنهایی نیز معنی لغوی و ظاهری خود را از دست داده و هر فرد ظاهراً! تنهایی نیز با داشتن گوشی هوشمند به نوعی تنها قلمداد نمی‌شود! امروزه روز بسیاری از افراد احساسات جدیدی از تنهایی را تجربه می‌کنند! معمولاً افراد یا بیشتر در جمع هستند و یا به غار تنهایی خود پناه می‌برند ولی در قرن حاضر و با وجود تکنولوژی‌های نوین که بسیاری از آن‌ها برخلاف دهه‌های قبل در لحظه بروزرسانی می‌شوند احساسات جدیدی از تنهایی را تجربه می‌کنند. به بیان دیگر نه می‌شود گفت تنها هستند نه می‌شود گفت تنها نیستند. اما آنچه مسلم است همه ما نیاز به آرامش و تمدد اعصاب داریم تا برای دقایق و ساعاتی خود را از محاصره دلمشغولی‌های کوچک و بزرگ‌رهای بخشیم و هنر شاید تنها دارویی باشد که عوارض جانبی ندارد و می‌توان از آن کمک گرفت.

های درمانی استفاده می شد. در قرون وسطی، هنر به عنوان یک راه درمانی مورد توجه قرار گرفت و به طور خاص، در مراکز درمانی مذهبی هنر به عنوان یک راه درمانی استفاده می شد و طرح های هنری بر روی دیوارها تهیه می شد. در قرون ۱۸ و ۱۹ نیز هنر درمانی به عنوان یک روش درمانی رسمی توسط پزشکان شناخته شد و مفهوم هنر درمانی به طور جدی توسط پیوند هنر و تاثیر آن بر روان و روح انسان مورد بررسی قرار گرفت. در قرن بیستم، هنر درمانی به عنوان یک رشته مستقل شناخته و تکنیک ها و روش های مختلف هنر درمانی توسعه یافت و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شد. امروزه، هنر درمانی به عنوان یک روش درمانی رسمی در بسیاری از کشورها تایید شده است.

اما «هنر» چگونه به بهبود حس و حال افراد کمک می کند؟

این روش بر اساس قدرت و تاثیر هنر و ابزارهای خلاقیت در بهبود روحی و جسمی افراد تاکید دارد. به اعتقاد صاحب نظران فعالیت های هنری مانند نواختن موسیقی، نقاشی، خطاطی، طراحی، تئاتر، فیلم و کلاً خلق هر اثر هنری (در رشته های مختلف)، تمرکز ذهنی، احساسات مثبت و انرژی را در افراد افزایش می دهد. این فعالیت ها می توانند روحیه فرد را ارتقا داده تا افراد دقت خود را در یک موضوع خاص متمرکز کنند و ذهنشان به دیگر مسائل روزمره منحرف نشود.

هنر درمانی به عنوان یک روش آرام بخش و خلاق، به کاهش استرس و اضطراب کمک می کند. چون این

فعالیت ها باعث آزادسازی هورمون های خوشحالی و آرامش در بدن می شوند.

پرداختن به کارهای هنری و خلق آثار هنری نه تنها باعث بهبود و سلامت روح و روان فرد شده بلکه کمک می کند تا فرد در ارتباطات نیز موفق تر بوده و با اعتماد به نفس بیشتری در جمع حاضر شود.

به بیان دیگر این ارتباطات و تعاملات باعث افزایش اعتماد به نفس و بهبود روابط اجتماعی می شوند و فرد با خلق یک اثر هنری، حس بسیار خوبی را به لحاظ آفرینش و بروز تراوشات افکار و احساسات خود تجربه می کند. البته واقف هستیم که هر کار هنری به عنوان یک اثر هنری فاخر ارزیابی نمی شود اما قطعاً ممارست و تمرین مستمر در رشته یا رشته های هنری دلخواه موجب می شود که روز به روز آثار زیباتر، شکیل تر و به لحاظ زیبایی شناسی و سبک شناسی آثار ارزشمندتر خلق شود. گام نهادن به وادی هنر از همان اولین قدم ها ضمن پالایش روح و افکار باعث می شود نگاه دیگری به محیط پیرامونی داشته باشیم و با نگاهی جستجوگر، در پی این باشیم که از هر سوژه ای که توجه مان را جلب کرد چطور می توانیم ابعادی از آن را در هنرمان به تصویر درآوریم.

به نظر کارشناسان، «هنر» بستری برای ابراز و تخلیه احساسات مختلف مانند شادی، غم، عشق و خشم فراهم کرده و به سبک شدن روح کمک می کند. بنابراین باعث تقویت احساسات مثبت و آرامش بخش در فرد می شود.



واژه اگر بمیرد، عزت دفن می‌شود

با درود به زبان مادری، با احترام به ریشه و با فریاد بر سر فراموشی

امروز آمده‌ام نه برای سخن گفتن، بلکه برای هشدار

برای اعلام خطر

برای دفاع از آخرین سنگر هویت: زبان فارسی

زبان ما دارد خفه می‌شود.

نه با گلوله، نه با سانسور، که با واژه‌هایی که از دهان مردم و به خصوص جوانان ما بیرون می‌ریزد و بوی بی‌ریشگی می‌دهد.

دیگر کسی نمی‌گوید «زمان»، می‌گوید «تایم»

نمی‌گوید «باشه»، می‌گوید «اوکی»

«نشانی» شده «آدرس»، «فشار روانی» شده «استرس»، «خطر» شده «ریسک»، «شگفتی» شده «سورپرایز»، «نظر» شده «کامنت»، «بازخورد» شده «فیدبک»، «طرح» شده «پروژه»، «گروه» شده «تیم»، «طراحی» شده «دیزاین»، «فراگیر» شده «ترند»، «هدف» شده «تارگت»، «آغاز» شده «استارت»، «پایان» شده «فینیش»، «رایگان» شده «فری»، «ویژه» شده «پریمیوم»، «مکان» شده «لوکیشن»، «پوشه» شده «فولدر»، «پرونده» شده «فایل»، «پخش» شده «پلی»، «مکت» شده «پاز»، «واکنش» شده «ری‌اکشن»، «متن» شده «تکست»، «رنگ» شده «کالر»، «قلم‌نوشت» شده «فونت»، «زمینه» شده «تم»، «داده» شده «دیتا»، «برخط» شده «آنلاین»، «خارج از خط» شده «آفلاین»، «فشردن» شده «کلیک»، «بازدید» شده «ویو»، «پاسخ» شده «ریپلای»، «کاوش» شده «اکسپلور»، «سبک» شده «استایل»، «عملکرد» شده «پرفورمنس»، «حذف» شده «دلیت»، «رونویسی» شده «کپی»، «نوشته» شده «پست»، «پسند» شده «لایک»، «داستان» شده «استوری»، «جعلی» شده «فیک»، «بی‌نقص» شده «پرفکت»...

و همه این‌ها را با افتخار می‌گویند.

با ادای «باوقار بودن»

انگار هر واژه بیگانه، نشان تمدن است و هر واژه فارسی، نشانه عقب‌ماندگی.

اما این، عقب‌ماندگی نیست.

این، خودباختگی است.

این، مرگ تدریجی عزت است.

زبان، فقط ابزار حرف زدن نیست .

زبان، حافظه جمعی ماست .

زبان، خاکریز فرهنگ است .

وقتی واژه‌های مان را مفت می‌فروشیم، یعنی سنگرمان را واگذار کرده‌ایم.

خطاب به مدیران فرهنگی

شما که بودجه می‌گیرید برای «پاسداری از زبان فارسی»،

شما که در نشست‌های رسمی، واژه‌های بیگانه را با لبخند به کار می‌برید،

شما که واژه‌های پیشنهادی‌تان مثل «هم‌پوش» و «رای‌پیشه» در هیچ کوچه‌ای شنیده نمی‌شود !

شما مسئول این مرگ هستید .

شما شریک این خودباختگی هستید.

اگر نمی‌توانید واژه فارسی بسازید که زنده بماند،

دست‌کم واژه بیگانه را با افتخار تکرار نکنید.

خطاب به مردم، به جوانان، به نسل آینده

تو که گوشی هوشمند داری،

تو که در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسی،

تو که با دوستان حرف می‌زنی ...

بدان که هر واژه‌ای که به کار می‌بری، یا سنگر است، یا شکاف.

اگر «شگفتی» را با «سورپرایز» عوض کنی،

اگر «نشانی» را با «آدرس» عوض کنی،

اگر «باشه» را با «اوکی» عوض کنی،

داری سنگر را واگذار می‌کنی.

داری به بیگانگی خوش آمد می‌گویی .

داری به فراموشی لبخند می‌زنی.

و این، نه باکلاسی است، نه جهانی شدن.

این، خودکشی فرهنگی است.

یادآوری بزرگان ادب فارسی

فردوسی، هزار سال پیش گفت :

«زندهام با زبان و با سخن، مردهام بی‌زبان، بی‌وطن.»

سعدی، با واژه‌های فارسی، انسان را به اخلاق رساند .

حافظ، با زبان فارسی، عشق را جاودانه کرد .

مولوی، با واژه‌های فارسی، عرفان را جهانی کرد .

خیام، با زبان فارسی، فلسفه را به کوچه‌ها آورد .

نظامی، با واژه‌های فارسی، داستان را به شعر بدل کرد .

صادق هدایت، با زبان فارسی، درد را نوشت .

و حالا ما، وارثان این زبان،

داریم آن را با «ری‌اکشن» و «فیدبک» و «پرفورمنس» خفه می‌کنیم.

زبان فارسی، زخمی است که هنوز زنده است .

اگر امروز از آن دفاع نکنیم،

فردا دیگر چیزی برای دفاع باقی نمی‌ماند.

نه شعر، نه اندیشه، نه عزت.

برگردیم ، نه فقط به گذشته، به ریشه...

(نویسنده؛ سیدرضاحسینی، رئیس انجمن نویسندگان برتر ایران و عضو انجمن نویسندگان پیشکسوت)

(تصویر از اینترنت)



گیلان فردا- رودبار